

یادداشت

ملاک‌های از دواج و مسأله تداوم خانواده

زمان است که ملاک‌های اخلاقی برای تعهد و همسر داری تعریف می‌شود و هر دین با توجه به این موارد، افراد را برای انتخاب همسر با خود همراه می‌کند. در این زمان خانواده‌های گسترده به‌وجود می‌آیند. به این معنا که تمام افراد خانواده با یکدیگر زندگی می‌کنند. خانواده ستاکی نیز گونه‌ای از خانواده گسترده است که پدر و مادر با پسر بزرگ زندگی می‌کنند. پس از آن است که با شکل‌گیری خانواده هسته‌ای روبرو می‌شویم که در واقع خانواده‌ای است که مانا را تجربه کرده‌ایم. در تمامی این خانواده‌ها که ذکرشان رفت، انتخاب همسر معمولاً در بین خانواده بوده و در آن دوران ملاک‌ها و انتخاب‌ها طبعاً از سوی بزرگان قوم و پدر و مادرها تعیین می‌شده است. دختران و پسران هم با این وضع مشکلی نداشتند و عموماً با ملاک‌ها و انتخاب‌های تعیین شده کنار می‌آمدند. در اسلام اما درون همسری وجود داشته، به این معنا که فرد می‌توانسته با دختردایی، پسر دایی... که غیر همخوش بودند، از دواج کند. اما این مورد در دین مسیحیت پذیرفته شده نبوده و این گونه فامیل‌ها به یکدیگر محرم بوده‌اند. در حقیقت اسلام تنها دینی است که

تفاوت در ملاک‌های از دواج، از کمتر از یک‌دهه گذشته، تفاوت‌های عمده و گسترده‌ای را به خود دیده است. در چند دهه گذشته، مانند گذشته‌های دورتر، افراد در محل زندگی خود یا خانواده خودشان از دواج می‌کردند. در سال‌های اخیر اما این گسترده تغییر یافت و دلیلش را نیز باید تعاملات اجتماعی دید. به این ترتیب دایره همسر گزینی به شهرهای مختلف کشیده شد و بر همین اساس نوع انتخاب همسر هم تغییر کرد.

از طریق وسایل مجازی صورت می‌گیرد که به لحاظ جامعه‌شناسی خیلی خوب نیست. چراکه افراد در این گونه انتخاب‌ها از دو خرده فرهنگ متفاوتند به همین دلیل نیز تفاوت‌های عمده‌ای پیشان وجود دارد که باعث می‌شود اما طلاق بالا رود. از نظر من، این گونه از دواج‌ها ملاک‌هایی که برایش وجود دارد، ملاک‌های مناسبی نیست چراکه از دواج‌ها اصالت خود را از دست داده‌اند. ما امروزه با آن مواجهیم، بسیار متفاوت بوده اما در نوع خود قدم بزرگی بوده است. پس از این، ما با چند همسری روبرو هستیم. یعنی زنان و مردانی که چند زن و چند شوهر داشته‌اند. زمانی میان اعراب چند شوهری رسم بوده است. در تبت، سیلان و جزایر مار کیز نیز به‌وفور شاهد چنین مواردی بوده‌ایم و در حقیقت چنانچه چند همسری وجود نمی‌داشت، تعریف‌های موجود از همسر متفاوت می‌شد.

پس از این دوران، دوران تومی آغاز می‌شود. توم، یک موجود جاندار یا بی جان، حیوان، گیاه یا جماد است که به اصطلاح اعضای چند خانواده تشکیل شده و به یک توم اعتقاد دارند. به آن معتقدند، مانا نیز نیروی مروری است که درون هر توم وجود دارد و عامل موثری در عملکرد کلان‌ها بوده است. در این دوران هم انتخاب همسر از کلان دیگر صورت می‌گیرد، اما چنانچه بخواهیم زمان دقیقی را برای همسر گزینی به‌صورت رسمی بر گزینیم، باید گفت که این زمان مصادف با زمان به‌وجود آمدن ادیان گوناگون در جهان، در این

امان‌الله قزایی مقدم

جامعه‌شناس



چنانچه بخواهیم تحولات همسر یابی و فاکتورهای انتخاب همسر را بررسی کنیم، باید به ریشه‌های مردم‌شناسی این جریان بازگردیم چراکه ریشه‌های این امر به تاریخ بشریت می‌رسد و من در دو کتاب مردم‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی به این موارد اشاره کرده‌ام. تاریخ بشریت در این زمینه فراز و فرودهای بسیاری را به خود دیده و در هر دوره نیز ملاک‌های انتخاب همسر با دوره‌های دیگر متفاوت بوده است. چنانچه این ملاک‌ها در کشورهای گوناگون نیز بسیار با یکدیگر تفاوت داشته و دلایل عمده‌ای نیز برای این تفاوت‌ها وجود داشته است. اما همسر گزینی از ابتدای حیات انسان‌ها بدین گونه که در حال حاضر شاهد آن هستیم، نبوده است. چراکه انسان‌ها از ابتدا به‌صورت جمعی زندگی می‌کردند و در میان آنها همسر به شکل امروزی تعریف نشده بود و از این رو روابط نیز به صورت آزاد بوده است. این امر مربوط به حیات ابتدایی زندگی بشر است. پس از این دوران اولیه، وارد دوران همخون می‌شویم. به این معنا که برادران از درون خواهران خود به انتخاب همسر می‌پرداختند. این نیز مربوط به قبایل و گروه‌های اولیه انسانی است که در سراسر کره زمین وجود داشتند. شغل هم در اولویت بعدی قرار داشت. همسر خود را برمی‌گزیدند. دوره غیرهمخون، دوره بعدی است که حیات بشر در زمینه انتخاب همسر با آن روبرو است. در این دوران افراد از میان همخون خود به انتخاب همسر نمی‌پرداختند و در حقیقت این دوران شروع زمانی است که افراد به سمت خارج از خانواده



از حضور مستقیم خانواده در انتخاب تامادی گرای

همه چیز به خاطر ترس از آینده

نگاهی به تحولات معیارهای از دواج ایرانیان در چند دهه اخیر

طرح نو | معیار برای از دواج و ملاک برای انتخاب همسر عبارت‌هایی هستند که زیاد شنیده‌ایم. از گفت‌وگوهای صداوسیما با مردم گرفته تا نظراتی که می‌خواهند الگوهای درستی را به مردم بشناسانند. اما این معیارها علاوه بر این که با توجه به سطح زندگی و منطقه و ویژگی‌های خانوادگی و سطح فرهنگی متفاوت است، از نسلی به نسل دیگر هم فرق دارد. با این توضیح که این‌جا می‌توان نسل را حتی یک بازه ۱۰ ساله تعریف کرد. در سال‌های اخیر، تقریباً هر ۱۰ سال یکبار می‌توان تفاوت‌های معیارها و ملاک‌های از دواج را مشاهده کرد. همچنین نحوه تصمیم‌گیری‌ها و رسم و رسومی که افراد برای آن در نظر می‌گیرند هم متفاوت است و گاه آنها که در دهه ۶۰ از دواج کرده‌اند، نمی‌توانند ملاک‌های کسانی که در دهه ۸۰ از دواج می‌کنند را درک کنند و آنها که در دهه ۷۰ از دواج کرده‌اند، نسبت به ملاک‌های کسانی که در دهه قبل یا بعد از خودشان از دواج کرده‌اند، بیگانه‌اند. طرح نو در این صفحه قصد دارد با مثال‌هایی عینی و به‌طور خلاصه به معیارهای گروه‌های سنی مختلف درباره از دواج بپردازد. از این طریق می‌توان هر دوره تغییراتی را با توجه به ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر جامعه در آن دوره زمانی خاص دیده و با دوره قبل و بعد از خود مقایسه کرد. آنچه واضح است، تأثیری است که معیارهای یکی از شخصی‌ترین بخش‌های زندگی افراد از تحولات جامعه می‌گیرد. جامعه‌ای که انقلاب، جنگ، سازندگی، اصلاحات و... را پشت سر گذاشته، در هر دوره آدم‌هایی را با عقاید و افکار بسیار متفاوت نسبت به دوره قبل می‌سازد که در تصمیم‌گیری‌ها نشان‌آیند از این تحولات تأثیر می‌پذیرند.

هم با این که زیاد موافق شکل زندگی ما نبودند ولی در نهایت موافقت کردند.

برای برخی دیگر نیز معیارها در حد شناختن خانواده همسر یا داشتن شغل صرف نظر از درآمد کفایت می‌کرد. آنها می‌گویند که معمولاً خانواده‌ها واسطه از دواج بودند. خانواده و اغلب مادرها همسری برای فرزندان انتخاب می‌کردند و صحبت‌های دو خانواده با یک نشست به تأیید نهایی می‌رسید. تهیه وسایل مورد نیاز زندگی و محل زندگی به شکلی ساده انجام می‌شد و آداب و رسوم شروع یک زندگی هم با مراسمی ساده همراه بود. چیزی که مهم است، نقش دو خانواده در پیوندها بوده که هنوز به شکلی سنتی نقش اصلی را به‌عهده داشتند. در خانواده‌های گسترده آن سال‌ها، علاوه بر پدر و مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ اگر در قید حیات بودند و در غیر این صورت بزرگان

دهه شصتی‌ها مانده میان سنت و مدرنیته

دهه شصتی‌ها میان تمامی دهه‌ها از شهرت بیشتری برخوردارند. کسانی که به سرعت از خاطرات دوران کودکی‌شان نوستالژی می‌سازند و خود را در میان متولدین دهه ۵۰ و ۶۰ جزو دهه‌های مطلوب می‌شمارند. کسانی که در میانه جنگ و سیاست‌های افزایش جمعیت به‌دینا آمدند و به‌زعم خود سختی‌های بیشتری را به‌نسبت دهه‌های قبل و بعد از خود کشیده‌اند. متولدین این دهه اما براساس شواهد موجود، سخت‌تر از سایر دهه‌ها به‌سمت از دواج می‌روند و برای آن نیز دلایل گسترده‌ای اعم از اقتصادی، فرهنگی و... دارند و این امر نیز باعث شده است تا برای افزایش میزان از دواج در این دهه تدابیری اندیشیده شود که البته این تدابیر نتیجه مطلوبی در بر نداشته است. بسیاری از کارشناسان، سخت‌گیری افراد و ملاک‌های عجیب آنها را سدی در مقابل از دواج می‌دانند. این در حالی است که اغلب متولدین این دهه که از دواج کرده‌اند با این امر مخالفند و مشکلات اقتصادی و تغییر الگوها را عامل این امر می‌دانند. تغییر الگوهای که آنها را میان سنت زندگی مدرن نگه داشته است و بسیاری از آنها ملاک‌ها و نوع انتخاب دهه هفتادی‌ها را بهتر از خود می‌دانند. چنانچه هم‌نیز بر این نکته تأکید می‌کنند و می‌گویند: «من ۵۲ سال پیش و زمانی که ۲۶ ساله بودم، از دواج کردم. مهم‌ترین ملاک من برای از دواج بدون شک شخصیت فرد و خانواده‌اش بود. این که در چه بستری بزرگ شده و آیا با خانواده من سازگاری دارد؟ مسائل اقتصادی برای انتخاب همسر اینده‌ام همیشه در اولویت دوم قرار داشت. این در حالی است که بسیاری از کسانی که در دهه پس از ما زندگی می‌کنند، چنین نگاهی ندارند و در واقع وضع مالی از جمله اولویت‌های آنهاست. از سویی ما به‌نوعی در برزخ زندگی کردیم و نمی‌دانستیم باید با خواست‌های قبلی‌مان چگونه کنار بیاییم». مریم این خصوصیت را از جمله خصوصیت بیشتر هم‌دهه‌های خود می‌داند و می‌افزاید: «ما وجود بسیاری از مشکلاتی که متولدین دهه ۶۰ با آن مواجه بودند، اما همواره ملاک اصلی آنها شخصیت، اخلاق و خانواده بود. هر چند تفاوت‌های اساسی بسیاری نیز با دهه‌های پیش از خود داشتند. برای مثال، آنها خود، طرف خودشان را انتخاب می‌کردند و از این رو تفاوت گسترده‌ای با گذشته‌ها داشتند. اما با پادین را دانست که هر دهه دوره اقتضات خود را دارد و نباید توقع داشت که هر دوره مانند گذشته باشد و از سویی نباید ملاک‌ها مورد تفاوت نیز قرار گیرند چرا که شکل‌گیری این ملاک‌ها با توجه به عوامل گوناگونی بوده که نباید آنها را نادیده گرفت.»



دوره تشکیل خانواده به‌سختی این روزها نبود و فاصله طبقاتی کمتری وجود داشت. به همین دلیل پول جزو اولویت‌ها نبود اما دانشگاه رفتن و تحصیلات آکادمیک نصیب هر کسی نمی‌شد. در آن دوره تمام کسانی که همسن‌وسال بودند در شأن خودشان نمی‌دیدند که با کسی پایین‌تر از خودشان از دواج کنند. کمتر دختر لیسانسی بود که با یک پسر دیپلم از دواج کند و اگر هم از دواجی صورت می‌گرفت، برای خیلی‌ها جای تعجب داشت. شغل هم در اولویت بعدی قرار داشت. برای دخترهای دهه ۵۰ کارهای اداری و رسمی بیشتر مورد پسند واقع می‌شد تا شغل‌های آزاد. اکثر کسانی که در این دوره از دواج کرده‌اند، درباره معیارهایشان اتفاق نظر دارند و معتقدند، در دهه ۵۰ داشتن یک همسر مهندس که در یک شرکت یا اداره مشغول به کار بود، جزو اولویت‌های هر دختری بود. اهمیت دادن به مدرک و شغل به این دلیل اهمیت داشت که می‌توانست افراد را در طبقه اجتماعی متفاوتی قرار دهد و او را از سایرین جدا کند. البته نکته قابل توجه این جاست که خیلی از مردان در این دوره هم به چنین معیارهایی اهمیت می‌دادند. از دواج‌های دانشجویی را در دوره زیاد بود چرا که افراد نیمه‌گمشده خودشان را در دانشگاه و همسوا با عقاید و طبقه اجتماعی خودشان می‌دیدند. حضور در اجتماع به‌صورت مشخص و فعالیت‌های اجتماعی جزو علایقی بود که اکثر متولدین دهه ۵۰ آن را دنبال می‌کردند و برایش ارزش قایل بودند، اگر چه به‌صورت کلی در منظر قرار دادن چنین معیاری برای دختران برترنگ نبود.

دهه هفتادی‌ها، محکوم به مادگی گرای

دهه هفتادی‌ها اما نسل پیچیده‌ای هستند. همان نسلی که به‌مادگی گرای محکوم شده‌اند. خودشان این مسأله را انکار نمی‌کنند. مشکلی هم با آن ندارند. آنها معتقدند، توقع برای داشتن یک زندگی مرفه لزوماً بد نیست و دیگران صرفاً به‌دلیل مادگی بودن این معیار، سعی می‌کنند آن را بد جلوه دهند. با خیلی از آنها که حرف می‌زنیم، ترس از آینده را مهم‌ترین دلیلی می‌دانند که باعث شده تا پول اهمیت زیادی برای این نسل داشته باشد و البته اعتقاد دارند که در این مورد خیلی از دهه شصتی‌ها هم با آنها هم‌عقیده‌اند. «مژه» که در این روزها تازه وارد ۲۱ سالگی شده معتقد است، هیچ چیزی از آینده بر ایمان روشن نیست. مانه در وضع اقتصادی ثباتی که می‌بینیم و نه در دیگر زمینه‌ها. حتی تحصیل هم نمی‌تواند جوایگی یک آینده روشن باشد. دایمی من مهندس را شد یک کار خانه بود و وضع بدی نداشت، اما تعطیلی کار خانه باعث شد بیکار شود و مدرک مهندسی‌اش به هیچ کاری نیاید. آدم این چیزها را که می‌بیند، بیشتر از آینده می‌ترسد. الان دهه هفتادی‌ها در اوج بیکاری هستند. آینده شغلی خوبی در انتظارشان نیست، پس آدم باید به چی دلخوش باشد؟ معلوم است که با چنین وضعیتی پول اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. او البته تأکید می‌کند که این روزها نه تنها دخترها که حتی پسرها هم به مادگی گرای دچار شده‌اند. شاید این دوره بیشتر از هر زمانی دیگر دوره عشق و عاشقی‌ها سر آمده باشد. حتی پسرها هم دنبال دختری می‌گردند که حتماً سر کار بود و درآمد داشته باشد. اصلاً این گزینه را موقع از دواج مطرح می‌کنند و ابایی از آن ندارند. حتی من از نزدیک مطرح می‌کنم که شناسم که اتفاقاً دنبال دخترهای پولدار هستند. کسانی که بتوانند از طریق آنها به جایگاه‌های بالاتری برسند و برایشان عشق و علاقه صرف، یک چیز تزیینی است. دهه هفتادی‌ها معتقدند، تنها کمکی ثبات و اطمینان از آینده می‌تواند معیارها را تغییر دهد و دلیل این که معیارهای از دواج در هر دوره یک چیز خاص بوده، همگی به تحولاتی مربوط می‌شود که ترس از آینده را تشدید کرده‌است.

خانواده، عنصر اصلی انتخاب

برای مردمانی که در دهه ۲۰ و ۳۰ زندگی می‌کردند، انتخاب‌ها مانند الان نبود. نه خانواده‌ها مثل امروز دست بچه‌هایشان را بازی گذاشتند و نه دخترها و پسرها خود دست به انتخاب می‌زدند. ملاک از دواج هم پیش از هر چیز به سنن خانوادگی و فرهنگی بازمی‌گشت. خانواده‌ها پیش از هر چیز به اصالت طرف مقابل نگاه کرده و آنگاه برای وصلت اقدام می‌کردند. چنانچه خانم «آروندی» نیز برای این امر تأکید می‌کند و می‌گوید: «من در سال ۱۳۲۹ از دواج کردم. همسر من در آن زمان تاجر بود و من پیش از این شاید چندبار در مراسم‌های خانوادگی او را دیده بودم چرا که از جمله اقوام دور ما بودند. خانواده‌ها در آن زمان خود پیشقدم می‌شدند. همه کارها تمام می‌شد و دختری پای سفره عقد می‌نشست. من و بسیاری دیگر از هم‌دوره‌هایم نیز چنین وضعی داشتیم. برای من نیز شرایط خانوادهم بسیار دارای اهمیت بود. هرگز روی حرف پدرم حرف نمی‌زدم و جزا پذیرفتم. در حالی که امروز شاهد چنین شرایطی نیستیم.» اغلب زنان و مردانی که در دهه ۲۰ و ۳۰ از دواج کرده‌اند، از دواج‌هایی به اصطلاح سنتی صلاحیت خانوادگی‌ها نشان از دواج می‌کردند و ملاک آنها برای از دواج نیز اغلب ملاک خانواده‌هایشان بود. آنها همچنین در تمام سال‌های زندگی خود با تمام پستی‌ها و بلندی‌ها جنگیده و اجازه از هم پاشیدن بنیان خانواده را نمی‌دادند. این نکته‌ای است که خانم آروندی نیز بر آن تأکید می‌کند و می‌گوید: «شاید در آن زمان افراد مانند امروز ملاک مشخصی برای از دواج نداشتند یا به‌احتمال تن به خواست‌های خانواده‌شان می‌دادند، اما واقعیت این جاست که این تأکید بر اصالت‌های خانوادگی و فرهنگی بود که باعث شد تا زنان و مردان سختی‌های زندگی را به‌جان بخرند. در آن زمان برای آن که زندگی پایدار بماند، بسیاری از کاستی‌ها را تحمل می‌کردیم و این هم عاملی شد تا طلای وجود نداشته باشد. هر چند خیلی‌ها امروزه آن شیوه را نادرست می‌دانند اما به‌نظر من و هم‌نسلان این شیوه، شیوه درستی بود و حداقلش این بود که با این همه مطلقاً مواجه نبودیم.»

دهه چهلگی‌ها، ملاک‌هایی همچون عقیده

و ایمان

«به فکر پول نبودیم، بر ایمان اخلاقی و خانواده بیشتر مهم بود. آن موقع همه، همین‌طور بودند. خواهر کوچکترم و دوست داشت حتماً با یک کسی که به جبهه رفته از دواج کند. من هم خیلی بر این مهم بود کسی که با او از دواج می‌کنم، حتماً در انقلاب بوده و سیاست‌ورنوشتم مردم برایش مهم باشد.» این را «فسرین» که ۵۲ ساله است می‌گوید. آنها حال‌دیگر به سن‌وسالی رسیده‌اند که بچه‌هایشان هم از دواج کرده‌اند و تازه می‌فهمند که چقدر دلایشان برای از دواج با یک نفر با دلایل و معیارهای فرزندانشان فرق دارد. آنها کسانی بودند که مراسم از دواجشان به یک سفر کوتاه اغلب به مشهد ختم می‌شد و در خانه‌های کوچکی شاید با یک اتاق زندگی‌شان را شروع می‌کردند. در سال‌های دهه ۶۰ هر کدام با هر دیدگاه و عقیده‌ای به چیزی ایمان داشتند که همان ملاک از دواج‌شان می‌دانستند. اگر زندگی ساده و اعتقاد به یک مرام و مسلک بود، اگر راست با چپ بودند، در بند ظواهر نبودند.

دیگری که نمی‌خواهد نامش را بیاوریم می‌گوید: «من و همسرم دانشجوی بودیم که با هم آشنا شدیم و به‌خاطر اعتقادمان به یک هدف با هم از دواج کردیم. هیچ مراسمی هم نداشتیم. یک روز با هم به منزل ما رفتیم و گفتیم که می‌خواهیم از دواج کنیم، خانواده